

هفته نامه اداره کل هنرهای نمایشی

◆ هفته نامه اداره کل هنرهای نمایشی ◆ سال اول ◆ شماره ۲۸ ◆ ۱۹ فروردین ۱۴۰۲ ◆ ۸ صفحه

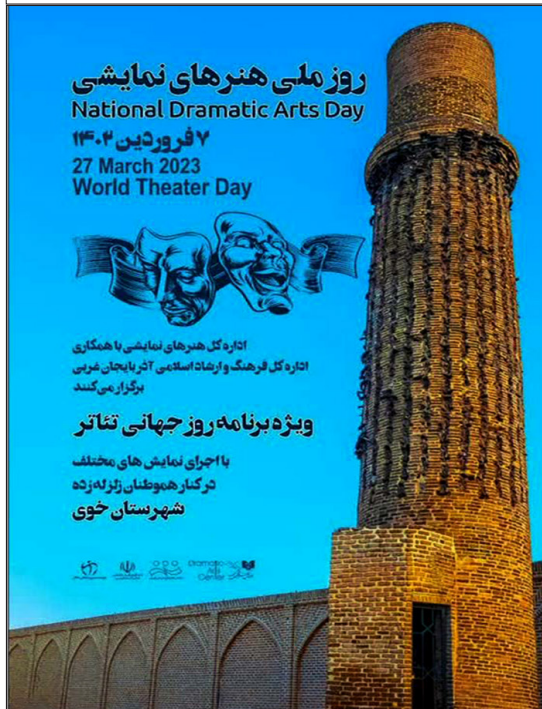
نمایش «عمو نوروز اومده» در مناطق زلزله زده خوی اجرا شد

نمایش «عمو نوروز اومده» به نویسندگی و نوجوان در تهران اجرا کرد و همان و کارگردانی میثم یوسفی با هدف بازیابی زمان اعلام کرد که همزمان با اجرای روحیه شادی و نشاط در بین کودکان و این نمایش‌ها، کشکولی برای جمع‌آوری نوجوانان مناطق زلزله زده خوی در دو کمک‌های مردمی در نظر گرفته است روستای قوروق و گوهران اجرا شد. و تمام این کمک‌ها در آستانه سال نو یوسفی اسفند گذشته نمایش «عمو» را به کودکان زلزله زده خوی اختصاص می‌دهد. نوروز اومده» را برای تماشاگران کودک

با برگزاری ۳ مراسم در تهران و خوی

روز جهانی تئاتر، آغازگر سال هنرهای نمایشی ایران

صفحات ۲ و ۳



بهروز غریب پور:

بی‌صاحب‌ترین شغل دنیا را داریم

آغاز اجرای نمایش‌های مرکز تئاتر

کانون، هم‌زمان با روز جهانی تئاتر

هوشنگ توکلی:

سپروس گرمستانی و فسرو شکیبایی

بازیگرانی تکرارنشدنی هستند

بهرام ابراهیمی:

تئاتر نباید متی یک ساعت هم

تعطیل شود

نظری بر نمایش «آوازه‌فوان طاس» کاری از ممدشایان طهماسب‌پور

غریبه‌هایی آشنا در جست‌وجوی هویت

هم‌زمان با روز ملی هنرهای نمایشی و روز جهانی تئاتر

فراخوان جشنواره بین‌المللی نمایش‌های آیینی و سنتی منتشر شد

جشنواره آیینی و سنتی در سال ۱۴۰۲، در بخش‌های زیر برگزار خواهد شد:

الف) نمایش‌های ایرانی

الف ۱) بخش ویژه

الف ۲) بخش موضوعات آزاد

الف ۳) بخش دانشجویی

ب) مجالس شبیه‌خوانی

ب ۱) مجالس نو

ب ۲) مجالس غریب

ج) نمایش‌های عروسکی سنتی

ج ۱) نگاه نو/ الگوی کهن

ج ۲) بخش اجرای اساتید

ه) بخش هنرهای نمایشی فردی، نقالی و روایت‌های

ملی و کارآواها

ه ۱) بخش الگوی کهن/ نگاه نو

ه ۲) اجرای اساتید

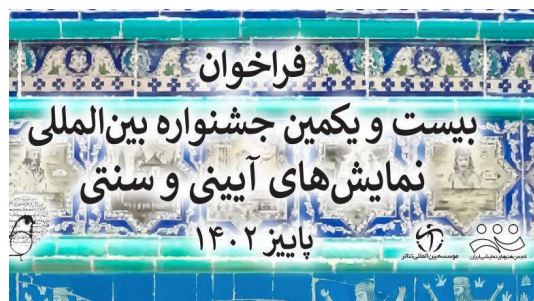
و) معرکه‌ها، آیین‌ها و بازی‌های نمایشی

ز) نمایش‌های آیینی و سنتی ملل

ح) نهمین سمینار بین‌المللی نمایش‌های آیینی و سنتی

ط) پنجمین مسابقه نمایشنامه‌نویسی

ی) نمایشگاه هنرهای نمایشی ایرانی



فراخوان بیست و یکمین جشنواره بین‌المللی نمایش‌های آیینی و سنتی پاییز ۱۴۰۲

فراخوان بیست و یکمین جشنواره بین‌المللی نمایش‌های آیینی و سنتی که قرار است پاییز امسال برگزار می‌شود، منتشر شد. این رویداد هنری، پذیرای آثار هنرمندان در ۹ بخش خواهد بود.

به گزارش ایران تئاتر به نقل از روابط عمومی اداره کل هنرهای نمایشی، ستاد برگزاری بیست و یکمین جشنواره بین‌المللی نمایش‌های آیینی و سنتی، فراخوان این رویداد هنری را هم‌زمان با روز ملی هنرهای نمایشی و روز جهانی تئاتر (هفتم فروردین ۱۴۰۲) منتشر کرد.

بیست و یکمین جشنواره بین‌المللی نمایش‌های آیینی و سنتی به دبیری احمد جولایی، پاییز ۱۴۰۲ برگزار خواهد شد.

«پدرسالار» به چاپ رسید

کتاب «پدرسالار» به نویسندگی بیژن شکرریز که به صورت مصاحبه با محمدعلی کشاورز گردآوری شده است، از نشر ثالث به چاپ رسید.

به گزارش ایران تئاتر، کتاب «پدرسالار» (مصاحبه با زنده‌یاد محمدعلی کشاورز) عنوان جدیدترین کتابی است که به نویسندگی بیژن شکرریز از نشر ثالث به چاپ رسیده است.

با معرفی زندگی هنری پری صابری

کتاب «بانوی رند» به چاپ رسید

کتاب «بانوی رند» به کوشش بیژن شکرریز که به تازگی منتشر شده است، جزئیاتی از زندگی شخصی، اجتماعی، فرهنگی و هنری پری صابری، کارگردان پیشکسوت و سرشناس تئاتر کشور را بازگو می‌کند.

به گزارش ایران تئاتر، کتاب «بانوی رند» نوشته بیژن شکرریز، مصاحبه‌هایی با پری صابری، کارگردان پیشکسوت و پیشگام تئاتر است که به دست نشر ثالث به چاپ رسید.

در مقدمه این کتاب آمده است: «از کودکی در تربیت خانوادگی پری صابری، فرهنگ و به خصوص فرهنگ ایرانی، جایگاهی ویژه داشت. فرهنگ ایرانی او را با ریشه‌های کشورش آشنا کرد که توانست در آن خاک ببالد، بزرگ شود و بتواند با زبان مادری از آثار بزرگانی چون حافظ، سعدی، مولوی، عطار و فردوسی بهره‌مند شود و از دهه چهل تا ۱۳۹۷ در داخل و خارج کشور در اشاعه آن به بهترین شکل بکوشد. در این گفت‌وگو جزئیاتی از زندگی شخصی، اجتماعی، فرهنگی و هنری پری صابری مطرح می‌شود که به خوبی صیقل خوردن این الماس درخشان را در طول دهه‌ها نشان می‌دهد و در میان آن می‌توان جنبه‌هایی ناگفته و پنهان مانده از تاریخ فرهنگ و ادب و هنر ایران را یافت.»

پری صابری، نویسنده و کارگردان پیشکسوت تئاتر، متولد اول فروردین ۱۳۱۱ کرمان است.

این هنرمند پس از پایان تحصیل دوره متوسطه برای ادامه تحصیل به پاریس رفت و پس از بازگشت به وطن گروه تئاتر بازارگاد را ایجاد کرد.

صابری در طی سال‌های ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۷ به عنوان مدیر فعالیت‌های فوق برنامه دانشگاه تهران موفق به تأسیس تالار مولوی شد. او نشان ابن سینا را از یونسکو و لژیون دونور را از فرانسه در سال ۲۰۰۴ دریافت کرده است. نمایش‌های «من به باغ عرفان»، «هفت شهر عشق»، «بیژن و منیژه»، «لیلی و مجنون»، «هفت خان رستم»، «شمس پرده» و «باغ دلگشا» از جمله آثاری است که این هنرمند تاکنون روی صحنه برده است.

پری صابری از معدود کارگردانانی است که آثار هنری‌اش معرف و نشان شیفتگی او به داستان‌های شاهنامه، ادبیات عرفانی و تاریخ ایرانی است. کتاب «بانوی رند» در ۱۵۹ صفحه با قطع رقعی از نشر ثالث چاپ و منتشر شده است.

بیژن شکرریز، متولد ۱۳۳۴ تهران، تحصیلات خود در زمینه هنر را تا اخذ دکترای فلسفه هنر از دانشگاه کلن آلمان پیگیری کرده است، او سال‌ها در هنرستان‌ها و دانشگاه‌های کشور به تدریس رشته عکاسی و کارگردانی پرداخته است.

او غیر از فعالیت‌های دانشگاهی، تاکنون نمایشگاه‌های عکس فراوانی در ایران و خارج از ایران برگزار کرده و فیلم‌ها و سریال‌های داستانی و مستند فراوانی را کارگردانی کرده است که از آن میان می‌توان به مجموعه مستند «حیات عقل یا مردان خدا» در ۲۰ قسمت و فیلم مستند همای ادب درباره زندگی استاد جلال‌الدین همایی اشاره کرد.



تماشاخانه سنگلج و تالار هنر، میزبانان روز ملی هنرهای نمایشی شدند

تبریک به مخاطبان، سرمایه‌های اصلی تئاتر

در مراسم گرامی‌داشت روز جهانی تئاتر و روز ملی هنرهای نمایشی در تالار هنر و تماشاخانه سنگلج، هم‌زمان با برگزاری برنامه‌های متنوع از مخاطبان تئاتر به عنوان سرمایه‌های اصلی این هنر تقدیر شد. به گزارش ایران تئاتر، مراسم بزرگداشت روز جهانی تئاتر و روز ملی هنرهای نمایشی، عصر روز دوشنبه هفتم فروردین در تماشاخانه سنگلج و تالار هنر با حضور کاظم نظری، مدیرکل هنرهای نمایشی، هنرمندان و علاقه‌مندان به هنر نمایش برگزار شد.

تالار هنر در روز جهانی تئاتر میزبان ناشنویان شد

مراسم روز جهانی تئاتر و روز ملی هنرهای نمایشی در تالار هنر با حضور کاظم نظری مدیرکل هنرهای نمایشی، مریم کاظمی بازیگر و کارگردان تئاتر، سیدحسین فدایی حسین نمایشنامه‌نویس و کارگردان تئاتر و جمعی از تماشاگران و مخاطبان در ساعت ۱۷ روز دوشنبه هفتم فروردین ماه برگزار شد.

کاظم نظری، مدیرکل هنرهای نمایشی در ابتدای این مراسم ضمن تبریک روز جهانی تئاتر و روز ملی هنرهای نمایشی از لزوم توجه به هنرمندان و مخاطبان تالار هنر به عنوان سرمایه‌های تئاتر کودک و نوجوان سخن گفت.

برگزاری نمایشگاه عکس آثار اجرا شده در یک‌سال گذشته از زاویه دوربین عکاسان رضا معطریان، کاوه کرمی، میلاد میرزاعلی و سپیده طالبی و همچنین اجرای نمایش «مانتکو» در سرزمین پادشاهی» به کارگردانی مهدی خجستکی از دیگر برنامه‌های تالار هنر در روز جهانی تئاتر بود.

گفتنی است تماشاگران ناشنوا در روز جهانی تئاتر با حضور در این تالار به تماشای نمایش «مانتکو» در سرزمین پادشاهی» اولین نمایش اجرا شده تالار هنر در سال ۱۴۰۲ نشستند.

تماشاخانه سنگلج و حضور سرمایه‌های اصلی تئاتر

دیگر مراسم گرامی‌داشت روز جهانی تئاتر و روز ملی هنرهای نمایشی با حضور کاظم نظری مدیرکل هنرهای نمایشی، پریسا مقتدی مدیریت تماشاخانه سنگلج و هنرمندانی چون جواد انصافی، داوود داداشی، علی یدالهی، منوچهر اکبرلو، هادی حوری، بهرام سروری‌نژاد و داوود فتحعلی‌بیگی، ساعت ۱۹ دوشنبه هفتم فروردین در تماشاخانه سنگلج برگزار شد.

کاظم نظری، مدیرکل هنرهای نمایشی کشور در این مراسم گفت: «سال جدید را به سرمایه اصلی تئاتر یعنی مخاطبان تبریک می‌گویم و آرزوی شادکامی و سلامتی

برای این عزیزان دارم.» او ادامه داد: «اینکه مخاطبان، تئاتر را تنها نگذاشته اند باعث خوشحالی و مباهات است و بسیار خرسندم که آنها برای تماشای نمایش «ماشین دودی» آن هم در روز جهانی تئاتر و روز ملی هنرهای نمایشی در تماشاخانه سنگلج حاضر شده‌اند.»

قرائت پیام روز جهانی تئاتر نوشته سمیحه ایوب، بانوی بازیگر مصری توسط داوود فتحعلی‌بیگی، بازیگر و کارگردان پیشکسوت تئاتر، قرائت بخشی از گفتگوی علی نصیریان بازیگر و کارگردان سابقه تئاتر درباره شخصیت نمایشی «مبارک» و آرزوی او برای زنده کردن کاراکترهای «مبارک» و «سیاه» توسط پریسا مقتدی، مدیریت تماشاخانه سنگلج و تبریک روز جهانی تئاتر و روز ملی هنرهای نمایشی توسط هفت حاجی فیروز هفت سین به‌دست از دیگر برنامه‌های تماشاخانه سنگلج در روز ملی هنرهای نمایشی بود.

با به صحنه رفتن «دنیای خیال انگیز من» و

«شاهزاده شامپیا»

اجرای نمایش‌های مرکز تئاتر کانون، هم‌زمان با روز جهانی تئاتر آغاز شد

دو نمایش «دنیای خیال انگیز من» به نویسندگی و کارگردانی بهناز مهدی‌خواه و «شاهزاده شامپیا» به نویسندگی منوچهر اکبرلو و کارگردانی احسان مجیدی، اجراهای خود را هم‌زمان با روز جهانی تئاتر و روز ملی هنرهای نمایشی از سر گرفتند.

به گزارش ایران تئاتر، اجرای نمایش‌های مرکز تولید تئاتر و تئاتر عروسکی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، هم‌زمان با روز جهانی تئاتر (هفتم فروردین) آغاز شد.

دو نمایش «دنیای خیال انگیز من» به نویسندگی و کارگردانی بهناز مهدی‌خواه و «شاهزاده شامپیا» به نویسندگی منوچهر اکبرلو و کارگردانی احسان مجیدی، اجراهای خود را در سال ۱۴۰۲ از سر گرفتند.

بر همین اساس، نمایش «دنیای خیال انگیز من» ساعت ۱۷ برای مخاطبان خردسال و کودک و نمایش «شاهزاده شامپیا» ساعت ۱۸ برای کودکان و نوجوانان در مرکز تئاتر کانون واقع در پارک لاله تهران اجرا می‌شوند.

در خلاصه نمایش «دنیای خیال انگیز من» که



کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

نشانه‌های ظاهری دختری گم شده پادشاه کشور شامپیا یکی است. بنابراین خانواده خود را مجبور می‌کند تا او را برای انجام آزمایش‌های مختلف به کلینیک برده تا ثابت شود که او همان شاهزاده گم شده است. او در این میان با اتفاق‌های جالب و خنده‌داری روبه‌رو می‌شود. بازیگرانی همچون علی فروتن، مریم قلهکی، احمد خیرآبادی، ندا حاج‌بابایی، پریسا مشکانی، نرگس نجفیان، نسیم خسروشاهی و مهدیار سرلک در نمایش «شاهزاده شامپیا» ایفای نقش می‌کنند.

علاقه‌مندان به تماشای این دو نمایش، می‌توانند با مراجعه به سایت تیوال، بلیت خود را خریداری کنند و یا برای خرید بلیت به صورت گروهی و هرگونه سوال با شماره ۰۹۰۳۴۹۹۰۲۸۵ تماس بگیرند.

با تکنیک انگشتی، دستکشی، ماریونت، سایه و عروسک‌های خلاق تولید شده، آمده است: «بازیگری با یک دامن خیلی بزرگ، خودش را هنرمند معرفی می‌کند و می‌گوید با دنیای آدم‌ها سرو کار دارد، آدم‌هایی که دنیای‌شان هر کدام یک رنگ است، اما دنیای خود او رنگ و وارنگ است، مثل رنگین کمان... او توضیح می‌دهد که وقتی بچه بود دنیایش یک جورایی سیاه و سفید بود و یک اتفاق باعث شد دنیایش رنگی شود؛ اتفاقی که در کودکی‌اش افتاد.» همچنین نمایش «شاهزاده شامپیا» که با تکنیک کلاسیک آهنگین اجرا می‌شود، به بخش کوتاهی از زندگی دخترکی ۱۰ ساله می‌پردازد که روزی در اخبار متوجه می‌شود نشانه‌های ظاهری‌اش با

در مراسم گرامی داشت روز جهانی تئاتر در خوی صورت گرفت

تاکیدی دوباره بر توجه ویژه به تئاتر استان‌ها

حجت‌الاسلام قاسم‌خانی، امام جمعه شهرستان خوی، از دیگر سخنرانان این مراسم، با اشاره به نقش هنر در جامعه، از مسئولیت خطیر هنرمندان در قبال جامعه، تغییر نسل‌ها، مسائل تربیتی و دینی سخن گفت.

او گفت: «هنر حقیقی فاخر در راستای انسان‌سازی، آگاهی‌سازی و کاهش آسیب‌های اجتماعی است.»

پخش پیام ویدیویی اسماعیل خلیج، بازیگر و کارگردان پیشکسوت به مناسبت روز جهانی تئاتر، اجرای آیین‌های «تکم‌گردانی» و «عاشیق‌خوانی» و همچنین قرائت پیام روز جهانی تئاتر توسط سیدجلیل آغداشی از پیشکسوتان تئاتر استان آذربایجان غربی، از دیگر برنامه‌های مراسم روز جهانی تئاتر و روز ملی هنرهای نمایشی در شهرستان خوی بود.

در بخشی از این مراسم، از سیدجلیل آغداشی، پیشکسوت تئاتر استان، امید خاک‌پور، رئیس انجمن هنرهای نمایشی این استان و ناصر بیضایی، دیگر هنرمند تئاتر آذربایجان غربی تقدیر شد.

آیین نکوداشت روز جهانی تئاتر و روز ملی هنرهای نمایشی در شهرستان خوی با اجرای نمایش خیابانی «نوروزخوانی کوسا اویونی» به نویسندگی و کارگردانی مهدی صالحیار، بعدازظهر دوشنبه هفتم فروردین به پایان رسید.

جمعه شهرستان خوی، از حاضران در این رویداد هنری بودند.

جواد ساجدی‌نژاد، معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی شهرستان خوی، در ابتدای این مراسم ضمن تبریک روز جهانی تئاتر از

اهمیت و جایگاه آیین‌ها و سنت‌های نمایشی ایران از جمله معرکه‌گیری، شبیه‌خوانی و داستان‌های فولکلوریک سخن گفت.

در ادامه، اسرافیل فرج‌اللهی، مدیرعامل انجمن هنرهای نمایشی ایران، ضمن خواندن پیام کاظم نظری، مدیرکل هنرهای نمایشی به مناسبت روز جهانی تئاتر و روز ملی هنرهای نمایشی گفت: «شعار ما در اداره‌کل هنرهای نمایشی و انجمن هنرهای نمایشی ایران، نگاه عدالت‌محور و توجه ویژه به تئاتر استان‌ها است و با همین نگاه، بزرگ‌ترین روز برای خانواده تئاتر را در کنار مردم و هنرمندان عزیز شهرستان خوی برگزار کردیم.»

سپس علیرضا نوروزی، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان غربی با ارائه گزارش عملکرد تئاتر استان در سال ۱۴۰۱ گفت: «ارتقای فضای آموزشی، تولید متون بومی، آموزش هنر برای همه و آموزش تولید محور از مهم‌ترین اهداف و برنامه‌های ما در سال ۱۴۰۲ خواهد بود.»



در مراسم گرامی‌داشت روز جهانی تئاتر و روز ملی هنرهای نمایشی به میزبانی شهر خوی، بار دیگر بر نگاه عدالت‌محور و توجه ویژه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به تئاتر استان‌ها، تاکید شد.

به گزارش ایران تئاتر، گرامی‌داشت روز جهانی تئاتر و روز ملی هنرهای نمایشی، دوشنبه هفتم فروردین در شهرستان خوی برگزار شد.

این مراسم، به همت اداره‌کل هنرهای نمایشی، انجمن هنرهای نمایشی ایران و اداره‌کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان آذربایجان غربی، با هدف همراهی، حمایت و بهبود شرایط روحی مردم و هنرمندان زلزله‌زده خوی، ساعت ۱۳:۳۰ روز (دوشنبه هفتم فروردین) در شهرداری خوی برگزار شد.

علیرضا نوروزی، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان غربی، اسرافیل فرج‌اللهی، مدیرعامل انجمن هنرهای نمایشی ایران، جواد ساجدی‌نژاد، معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی فرمانداری خوی و حجت‌الاسلام حجت قاسم‌خانی، امام

پیام مدیرکل هنرهای نمایشی به مناسبت روز جهانی تئاتر

کاظم نظری: تئاتر، نمایش تام و تمام زندگی است

و تا سال‌های سال در سایه بزرگواری‌های‌شان هستیم و خواهیم بود؛ پیشکسوتان ارجمند هنر نمایش کشور و جوانان آتیه‌مند این عرصه و صحنه. از طرفی بر این عقیده، مصرانه معتقدیم که باگذشت چهار دهه از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی تئاتر به‌عنوان هنری غنی، ارزشمند و به‌دوراز هر آنچه به‌غیراز فرهنگ بوده امروزه به وسعت ایران اسلامی گسترده و وسعت پیدا کرده و تمامی این سرزمین قطب نمایش کشور شده است. در این فرصت ناب، ضمن ابراز آمادگی‌ای بیش از گذشته برای همکاری‌ها و هم‌صدایی‌ها با ارزش‌های هم‌گرای امروز تئاتر جهان، امید می‌بریم که به یمن این روز، سال پیشاروی تئاتر کشورمان، سالی سرشار از توجه به تئاتر شهرستان‌های ایران عزیز و روزهایی پربار از تعاملات عزتمند بین‌المللی سرمایه‌های ارزشمند تئاتر ایرانی با داشته‌های سایر کشورها باشد و نیز امکانی فراهم‌تر برای بهره‌وری شایسته‌تر و عمیق‌تر از گنجینه‌های هنر نمایش ایران در جای‌جای این مرز پرگهر اسلامی به‌ویژه پیش‌قراولان و ره‌سپردگان سربلند این سامان. این چنین باد و این چنین‌تر!

«به نام خدا»

تئاتر؛ نمایش تام زندگی است.

اگر بسیاری را اتفاق بر این است که «تئاتر»، زبانی توانمند و رسانه‌ای روزآمد و موثر برای نمایش کیفیت زیستن آدمی و ربط و ارتباط او با جهان پیرامونی او در آینه‌های «آنچه هست» و «آنچه باید باشد» محسوب شود؛ پس تئاتر، به معنی خاص ساختش، نمایش تام و تمام زندگی است؛ و صحنه نمایش‌اش محلی برای تزکیه، تربیت، تقویت، فضیلت و سیر تعالی انسان به‌سوی خالق با مردمی مؤمن و معتقد با تمامی حقیقت‌ها و واقعیت‌های زندگی و همه‌ی گریزها و ناگزیری‌هایش؛ و هنرمندش کسی است که خواسته‌ها و آمال مردم جامعه خود را شناخته و در آثارش، مردم محروم اجتماع اش را و بیش از آن خدای خالقش را ناظر بر عمل خویش بداند.

از این‌رو خوش‌یمنی هفتمین روز از بهار طبیعت را در تقارن با روز جهانی تئاتر و روز ملی هنرهای نمایشی، به فال نیک گرفته و با یادی از آنانی که در مه‌آلود ایام همه‌گیری کرونا به دیدار حضرت دوست رفتند؛ قدردان حضور مغتنم آنانی هستیم که هنوز



کاظم نظری، مدیرکل هنرهای نمایشی، در پیامی، هفتمین روز از بهار را که مقارن با روز جهانی تئاتر است به فال نیک گرفت و تاکید کرد این هنر، نمایش تام و تمام زندگی است.

به گزارش ایران تئاتر به نقل از روابط عمومی اداره‌کل هنرهای نمایشی، کاظم نظری، مدیرکل هنرهای نمایشی به مناسبت روز جهانی تئاتر و روز ملی هنرهای نمایشی پیامی را منتشر کرد. در متن این پیام آمده است:

مریم کاظمی، کارگردان و بازیگر
پرسابقه تئاتر در حوالی نوروز

خیمه شب بازی همیشه برایم جذاب بوده است

احمد رضا حجاززاده: مریم کاظمی، کارگردان و بازیگر تئاتر، سینما و تلویزیون نامی آشنا و قدیمی در عرصه هنرهای نمایشی است. او گرچه سال‌ها در حیطه کارهای بزرگسال به ایفای نقش پرداخته بود اما چند سالی است که به شکل مستمر در زمینه تولید تئاتر برای کودکان و نوجوانان فعالیت دارد و حالا دیگر در این بخش نیز به هنرمندی سرشناس و معتبر تبدیل شده که می‌توان روی کیفیت کارهایش حساب کرد و از تماشای هر نمایش او لذت برد. کاظمی این روزها درگیر تمرین نمایش جدیدش با عنوان «سیندرلا» برای اجرا در سال جدید است. به بهانه فرا رسیدن سال نو، با این هنرمند محبوب بچه‌ها و بزرگ‌ترها گفت‌وگویی داشتیم.

سال ۱۴۰۱ از نظر کار و فعالیت هنری برای شما چطور گذشت؟

می‌توان گفت سال ۱۴۰۱ به نوعی سایه کرونا را با خود داشت، وقتی که سال نو شروع شد و به دنبال آن هنوز این ترس و تردید که آیا مجاز است دور هم جمع بشویم یا نه، تا مدت‌ها و ماه‌ها بعد از شروع سال بر فعالیت‌های هنری حاکم بود. من سعی کردم با تشکیل کلاس‌های بازیگری برای کودک و نوجوان به نوعی این خلأ تولید را که در چند سال گذشته داشتیم، پوشش بدهم. همچنین تلاش کردم از نیمه دوم سال، دو نمایشی را که قبلاً هم اجرا کرده بودیم، به صورت رپرتوار همزمان اجرا کنم تا کم‌کم دوباره روی ریل مسیر اجراها برگردیم و بتوانیم آن نشاط و انرژی لازم را برای کارمان کسب کنیم.

آیا دست روی دست گذاشتن یا کار نکردن خوب است؟ هر واکنشی که همکاران ما داشتند، ممکن بود با برخوردهایی مواجه بشود که آن‌ها را به عنوان مانعی برای ادامه حرکت‌شان بدانند. به همین دلیل، راحت‌ترین کار این بود که کسی حرکتی نکند. هیچ‌کس مورد ارزیابی و سنجش قرار نگیرد و همه کنار بکشیم و به صحنه‌های خالی نگاه نکنیم که روزبه‌روز فرسوده‌تر می‌شود. در صورتی که این ماییم که داریم فرسوده می‌شویم. این شرایط جامعه و زندگی ماست که به همان نسبت که در روحیه و اخلاق‌مان تأثیر دارد، می‌تواند بر کارمان هم تأثیرگذار باشد؛ حالا هر کس به نوعی و با هر رنگ و بو و طعمی.

چه پیشنهادی دارید برای این که مردم در روزهای نوروز با سینما و تئاتر آشتی کنند؟

ببینید، ما این معضل را همیشه داشتیم. همیشه بحران تماشاگر پیش می‌آید و فکر می‌کنیم چه باید کرد که مردم از تئاترهای روی صحنه یا فیلم‌های روی پرده استقبال بیش‌تری کنند. در مورد نوروز چند سال بحث کردیم که آیا اکران‌های نوروزی مناسب هستند یا تئاترهایی که در تعطیلات نوروزی اجرا می‌شوند، می‌توانند تماشاگران را به سالن‌های تئاتر بکشانند؟ خب به دلیل شرایطی که بر هنرمندان و تولیدکنندگان آثار هنری حاکم است، آن‌ها گاهی به طور جمعی و گاهی به صورت فردی، دنبال راه حل‌هایی هستند تا روحیه خود را خوب و ابزار ارتباطی‌شان را تیز و بَران و برق نگه دارند. مثل چاقوی کند و بشقاب



آرامش و ثبات برسند.
چه توصیه و پیشنهادی برای مدیران عرصه فرهنگ و هنر کشور دارید؟

قرار نیست هر مسئولی وقتی مسئولیتی را می‌پذیرد، در مورد همه چیز تخصص داشته باشد و صحبت کند و تصمیمش تعیین‌کننده باشد. مسئول بودن یعنی تقسیم کار کردن، یعنی آن مسئول در حوزه مسئولیت‌های خودش تصمیم بگیرد چه کارهایی را بهتر است انجام بدهد و سکان کشتی مسئولیتش را در مسیر درست هدایت کند و بتواند به موقع این سکان را به نفر بعدی تحویل بدهد. طبیعتی است که در این شرایط باید از مشورت سایر متخصصان، همراهان، معاونان و مشاوران بهره‌مند باشد. انتخاب مشاور درست و کسی که در آن حرفه تخصص خاصی داشته باشد، مهم است. به نظرم توجه این موضوع که مسئولان با چه کسی مشورت کنند و چگونه در مسئولیتی که بر عهده گرفته‌اند تأثیرگذار باشند، هم به خودشان کمک می‌کند که به عنوان یک مسئول احساس بهتری داشته باشند.

خانم کاظمی در پایان، خاطره‌ای از سال‌ها فعالیت در حوزه تئاتر کودک و بزرگسال دارید، برای مان بازگو کنید.

من هیچ‌وقت فکر نمی‌کردم روزی خودم در حوزه تئاتر فعالیت کنم. از زمان کودکی همیشه نمایش‌های خیمه‌شب بازی مخصوص نوروز که از تلویزیون پخش می‌شد، خیلی برایم جذاب بود. کسانی را که کار هنری می‌کردند، مثل الهه و رب‌النوع یا خدا می‌دیدم، یعنی آدم‌هایی غیر قابل دسترس با حرفه‌ای پیچیده و الهی، چیزی که متعلق به زمین نیست و ماورایی است. این باور هنوز هم در من وجود دارد. هنوز وقتی هنرمندان این حرفه را می‌بینم، احساس می‌کنم چیزی یا جوششی درون خودشان دارد که آن‌ها را متفاوت می‌کند از آدم‌های دیگر.

همیشه آرزو می‌کنم این جوشش زنده و پویا باشد و الهام‌بخش باشد. این نمایش‌های سنتی که هم به اعیاد دینی ما مربوط است و هم به اعیاد ملی ما و به نوعی به آداب و رسوم قومیت‌های مختلف ایران زمین مربوط می‌شود، خیلی ارزشمندند و باید ماندگار بمانند. یکی از راه‌های ماندگاری‌شان این است که به صورت موزه‌ای حفظ و نمایش داده بشود تا اثر و کارایی آن به مرور زمان کمرنگ نشود.

مهم‌ترین خاطرات من برمی‌گردد به نشستن مقابل خیمه شب‌بازی و شنیدن ضرب مرشد و صدای مبارک با صفیر و عروسک‌هایی که یک‌دفعه در خیمه می‌افتند و آن دنیای چادری را جان می‌دهند! من خاطرات زیبایی از این هنر دارم و دوست دارم این زندگی کوچکی را که در چادر خیمه شکل گرفته، همیشه روی صحنه بیافرینم، منتها به شکل دیگری، ولی خانه و چارچوب و زندگی همان است. آن‌ها در همان چارچوب معنی دارند و به نظرم این باید حفظ بشود.

لب‌پریده نشوند و تازگی و طراوت‌شان را حفظ بکنند. بنابراین طبیعتی است که باید راه‌هایی برای این استمرار پیدا بکنند. وضعیت مردم نیز همین‌گونه است.

الان شرایطی نیست که به کسی توصیه کنیم چه کار باید بکند یا نکند! مثلاً روحیه‌ات باید خوب باشد و حتماً باید به تماشای کارها بروی! نه، به نظرم باید اجازه بدهیم هر کسی خودش روشی را انتخاب بکند که حالش را بهتر می‌کند یا بهتر با اجتماع خودش ارتباط برقرار می‌کند؛ با همسایه‌ها و در همان دایره معاشرت‌های محدود یا گاهی گسترده خودش. طبیعتاً در مسیری که هر کس به عنوان فردی از آحاد جامعه طی می‌کند، همه به دنبال موزیک خوب، فیلم و تئاتر خوب، داستان و شعر خوب و راه و حال و حرکت خوب هستند. اینکه بگوییم کار خوب بیافرینیم تا تماشاگر هم خوب استقبال کند، کمی به شعار نزدیک می‌شود اما این هم الان مقدور نیست، چون زیرساخت‌های ناگهان به وجود نمی‌آید. از دیگر سو اینکه ما ناگهان تصمیم بگیریم در نوروز چه کار بکنیم که تماشاگر با سینما و تئاتر آشتی بکند، تصمیمی نیست که بشود یک‌شبه یا طی یک هفته و یک ماه گرفت.

ما کار خاصی نباید بکنیم، بلکه باید مثل همیشه به مسیرمان ادامه بدهیم و بگذاریم مردم یا درست‌تر، مخاطبان به روش خودشان تصمیم بگیرند که چه زمانی و چگونه به رودخانه زندگی هنری بپیوندند.

آرزوی صنفی و مردمی شما برای سال ۱۴۰۲ چیست؟
آرزوی صنفی من این است که صنف‌های شغلی و حرفه‌ای در قالب هنری به وجود بیاید، طوری که زیربنا و خاستگاه حقوقی و قانونی داشته باشد، یعنی تعیین‌کننده و قدرتمند باشد، و این امکان‌پذیر نخواهد بود جز با حمایت تمام اعضای آن صنف، ولی شرایطی وجود دارد که ما را گاهی از حمایت صددرصد از صنف باز می‌دارد. به زبان اعضا انگار رویداد روشنی از نظر حمایت صنف، پیش روی‌مان نمی‌بینیم. بنابراین ترجیح می‌دهیم راه ساده‌تر را برگزینیم، چون راه درست شاید همیشه راه طولانی‌تر، سخت‌تر و دیربازده‌تری باشد. پس ما کار سختی در پیش داریم تا بتوانیم صنف‌مان را قوی بکنیم. وقتی صنف قوی بشود، ما هم قوی هستیم و به موقع می‌توانیم نسبت به هم واکنش‌های مناسب داشته باشیم و در شرایط خاص به یکدیگر کمک بکنیم و از همدیگر نیرو بگیریم. غیر از صنف‌های هنری که به شغل ما مربوط می‌شود و دوست دارم بتوانم به یک خانواده هنری تکیه بکنم که از لحاظ حقوقی قدرتمند باشد، می‌دانم که شغل ما متکی بر ارتباط با مردمی است که مخاطب ما هستند؛ بنابراین دلم می‌خواهد آن مردم هرچه زودتر بتوانند آن‌چه را برای خودشان بهتر است و می‌پسندند، زودتر پیدا کنند، یعنی هر کسی در مسیر ایدئال خود قرار بگیرد. این هم آرزوی من است به عنوان یکی از افرادی که در جامعه زندگی می‌کنم و هم می‌تواند آرزوی خیلی‌ها باشد تا بتوانند به



هوشنگ توکلی، بازیگر و کارگردان کهنه کار تئاتر:

سیروس گرجستانی و خسرو شکیبایی بازیگرانی تکرارنشده هستند

هوشنگ توکلی بازیگر و کارگردان پیشکسوت تئاتر با اشاره به آماده بودن نمایش «گاردن پارتی» برای اجرا پس از عید فطر با یادی از هنرمندان سیروس گرجستانی، پرویز پورحسینی و خسرو شکیبایی از تکرارنشده بودن آن‌ها در عرصه سخن گفت.

به گزارش ایران تئاتر، هوشنگ توکلی بازیگر و کارگردان نمایش فعالیت خود را در سال ۱۳۴۶ به عنوان بازیگر آغاز کرد. او در سال ۱۳۵۸ به کارگردانی نمایش «دنده» به نویسندگی محسن یلفانی در تئاتر شهر پرداخت و همچنین با بازی در آثار تلویزیونی چون «میرزا کوچک خان جنگلی»، «روزگار قریب»، «پدر» و «زیر تیغ» و فیلم‌های سینمایی «درساژ»، «زیر سقف دودی»، «قفس طلایی»، «دلخون» و «ابلیس» به فعالیت هنری اش ادامه داد.

پاییز ۱۴۰۰ بود که زمزمه‌هایی از اجرای نمایش «گاردن پارتی» به نویسندگی و کارگردانی این هنرمند با حضور بازیگران پیشکسوت سینما و تئاتر بر سر زبان‌ها افتاد. نمایشی که قرار بود پس از سال‌ها دوری توکلی از تئاتر روی صحنه تالار وحدت اجرا شود اما با درگذشت برخی بازیگران کار سرنوشت اجرای آن در ابهام فروماند.

هوشنگ توکلی درباره این نمایش می‌گوید: «نمایش «گاردن پارتی» مروری است بر خاطرات دوران کودکی، نوجوانی تا زمان حال من که برای نگارش آن پنج سال وقت صرف کرده‌ام.»

او ادامه می‌دهد: «این نمایش روایتگر اولین رویارویی من در سال‌های نوجوانی با گاردن پارتی است که در پارک شهرداری یا همان چهارراه ولیعصر فعلی برگزار می‌شد. رویارویی که به واسطه همراهی پدرم رقم خورد و تاثیر زیادی در ادامه روند زندگی‌ام گذاشت.» این هنرمند پیشکسوت با اشاره به اینکه «گاردن پارتی» نمایشی بیگ‌پروداکشن است، می‌افزاید: «تمرین‌های این اثر نمایشی حدود یک سال به صورت مستمر ادامه داشت تا اینکه به دلایل مختلفی همچون درگذشت علیرضا غفاری بازیگر نقش اصلی کار برای مدتی متوقف شد.»

او می‌گوید: «متأسفانه در روند آماده‌سازی نمایش دو بازیگر عزیز دیگر زنده‌یادان پرویز پورحسینی و سیروس گرجستانی را نیز از دست دادیم؛ اما پس از مدتی با جایگزین شدن بازیگران سعی کردیم برای حفظ آمادگی گروه در زمان‌های پراکنده به تمرین‌های مان ادامه دهیم.»

«گاردن پارتی» آماده اجراست

کارگردان نمایش «گاردن پارتی» توضیح می‌دهد: «در حال حاضر نمایش به طور کامل برای اجرا آماده است و تنها منتظر فراهم شدن شرایط برای روی صحنه رفتن هستیم که امیدوارم این شرایط پس از عید فطر با همراهی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و همکاران تالار وحدت فراهم شود.»

توکلی با یادی از زنده‌یاد سیروس گرجستانی می‌گوید: «گرجستانی جزو بازیگران با استعداد حاضر در مجموعه تئاترهای لاله‌زار و گروه‌های اداره تئاتر قدیم بود که متأسفانه سال‌ها هیچ فرصت مناسبی برای دیده شدن استعدادهایش فراهم نشده بود.»

او می‌افزاید: «از بزرگ‌ترین شانس‌های حرفه‌ای من دعوت از سیروس گرجستانی برای بازی در سریال «مدرس» بود. او در این اثر خوش درخشید و استعدادهایش را در بازیگری

به نمایش گذاشت تا حدی که می‌توان گفت حضور او در «مدرس» باعث شناخته و دیده شدن توانایی‌های ذاتی‌اش شد و پس از آن با استقبال چشمگیر کارگردانان برای حضور در آثار تصویری روبه‌رو شد.»

کارگردان نمایش «گاردن پارتی» ادامه می‌دهد: «زنده‌یاد سیروس گرجستانی مانند زنده‌یاد خسرو شکیبایی بازیگری توانا و بااستعداد بود. این دو از جمله بازیگرانی بودند که تا مدت‌ها موقعیت مناسبی برای ارائه توانمندی‌های‌شان فراهم نشد اما زمانی که فرصت در اختیارشان قرار گرفت، نشان دادند؛ بازیگرانی تکرارنشده هستند.»

فریده سپاه‌منصور؛ جوهر خالص تئاتر دوران است

هوشنگ توکلی در ادامه با اشاره به پانزدهم فروردین ماه و زادروز فریده سپاه‌منصور بازیگر سینما، تئاتر و تلویزیون و همسر خود درباره آشنایی‌اش با این هنرمند می‌گوید: «من سال ۱۳۴۹ با فریده سپاه‌منصور زمانی که به عنوان بازیگر روی صحنه تئاتر بود، آشنا شدم. در آن سال‌ها قرار بود نمایش «آنتیگون» را اجرا کنم و به همین دلیل از او برای همکاری دعوت کردم. نمایش «آنتیگون» هیچ‌وقت به اجرا نرسید اما نتیجه این آشنایی، تمرین و کار به آشنایی عاطفی بیشتر بین ما منجر شد و پس از مدتی با درخواست ازدواج من موافقت کرد.»

او ادامه می‌دهد: «فریده سپاه‌منصور به عقیده همه کسانی که اهل هنر هستند، بازیگر بزرگی است که توانایی‌های زیادی دارد. او از کودکی به این حرفه عشق ورزیده است و با بازی در آثار متفاوت محبوبیت خوبی بین مردم و اهالی هنر دارد.»

این هنرمند می‌افزاید: «داشتن محبوبیت نیازمند ویژگی‌های نهفته‌ای است که خوشبختانه خانم سپاه‌منصور از این ویژگی‌ها برخوردار است و این ربطی به تعریف یا هم‌نشینی من با او ندارد.»

توکلی توضیح می‌دهد: «سپاه‌منصور بازیگری با ذات خلاق است که این ذات را با تحمل سختی‌ها و پذیرش حضور در آثار ارزشمند حفظ کرده است. او سعی کرده تا در محدوده‌ای شناخته شده که به بازیگری‌اش آسیبی نرساند، وارد شود. سپاه‌منصور به انسانیت و شرافت مقید است و همراهی با او برای من باعث افتخار است. او جوهر خالص تئاتر دوران است.»



سعید ذهنی، آهنگساز باسابقه تئاتر، سینما و تلویزیون:

امیدوارم حال و روز موسیقی تئاتر بهتر شود

و جلو بروند، اتفاقات خیلی بهتری در تئاتر ایران رخ می‌دهد؛ اما اگر محدودیت‌ها زیاد شود، واقعا به‌سختی می‌شود کار کرد.»

ذهنی افزود: «بحث‌هایی هست که می‌گویند کار نکنید یا کار نکنید؛ شغل ما تئاتر است، با وجود هر اتفاق و هرگونه رخداد در همه جوامع مردم به کارشان ادامه می‌دهند.»

سعید ذهنی در ادامه این گفت‌وگو درباره موسیقی تئاتر و وضعیتش این‌گونه گفت: «باید منتظر باشیم تا تئاترها جانی دوباره بگیرند و گشایشی در سیاست‌گذاری تئاتر انجام شود تا هنرمندان ترغیب به کار کردن شوند تا موسیقی تئاتر هم حال‌وروزش بهتر شود.»

این آهنگساز در ادامه افزود: «هم خانه تئاتر و هم انجمن صنفی موسیقی تئاتر همواره پیگیر وضعیت و حامی هنرمندان موسیقی بوده و هستند. طی جلساتی که با مدیرکل هنرهای نمایشی و مدیران سالن‌ها داشته‌ایم، توافقاتی کرده‌ایم که هر ماه شاهد اجرای کنسرت موسیقی تئاتر باشیم تا بازار کار برای نوازندگان، خوانندگان و هنرمندان موسیقی تئاتر باشد؛ این کار باعث می‌شود مخاطب تئاتر با موسیقی تئاتر بیشتر آشنا شود و موسیقی‌های نمایش‌های فاخر که ساخته شده دوباره اجرا شود و یادآور روزهای خوب تئاتر برای همگان شود.»

ذهنی همچنین گفت: «ما توافقاتی هم با مدیرکل هنرهای نمایشی و مدیرکل دفتر موسیقی نیز داشتیم تا از موسیقی تئاتر هم حمایت شود. همه این کارها در حال پیگیری بود که شاهد اتفاقاتی در جامعه شدیم که باعث توقف این کار نیز شد.»

این هنرمند ادامه داد: «در انجمن موسیقی تئاتر همراه با

سعید ذهنی، آهنگساز باسابقه تئاتر، سینما و تلویزیون گفت طی جلساتی که با مدیرکل هنرهای نمایشی و مدیران سالن‌ها داشته‌ایم، توافقاتی کرده‌ایم که در آینده همراه شاهد اجرای کنسرت موسیقی تئاتر باشیم.

به گزارش ایران تئاتر، سعید ذهنی، آهنگساز باسابقه تئاتر، سینما و تلویزیون و رئیس هیئت‌مدیره انجمن صنفی سراسری موسیقی تئاتر، مدرس دانشگاه و فارغ‌التحصیل کارشناسی کارگردانی نمایش از دانشکده هنرهای زیبا است.

«دایره گچی قفقازی»، «شمس»، «خورشید کاروان»، «مجلس سیاوش خوانی»، «ضیافت شیطان»، «پنجره فولاد»، «لیلی و مجنون»، «تاج‌محل»، «پنجره‌ها»، «زکریای رازی»، «رستاخیز عشق» و «بیژن و منیژه» و... نمایش‌هایی هستند که سعید ذهنی موسیقی آن‌ها را ساخته است.

با سعید ذهنی به گفت‌وگو نشستیم و جویای احوال این روزهای موسیقی تئاتر شدیم. او در پاسخ گفت: «زمانی که بخواهیم به این پرسش جواب بدهیم باید ببینیم حال‌وروز تئاتر کشور چگونه است. در دوره‌ای بیماری کرونا در کشور به‌صورت گسترده انتشار یافته بود. بعد از آن نیز شاهد اتفاقاتی در کشور بودیم که بسیار باعث رنجیدن خاطر همگان شد؛ که همه این موارد منجر به تعطیلی و ایست تئاتر شد.»

او ادامه داد: «الان نمی‌توانم بگویم شرایط خوبی است، اما دوباره فعالیت‌ها از سر گرفته شده و بعضی چهره‌های تئاتری دوباره به خانه‌اولشان بازگشته‌اند؛ اما اگر سیاست‌گذاران فرهنگی اجازه دهند که هنرمندان در چارچوب فضای ذهنی خود گام بردارند

همکاران مان، اعضای فعال و اکتیو را شناسایی کردیم و پرونده‌های کاغذی را تبدیل به پرونده‌های الکترونیک کردیم. همچنین کارت‌های جدیدی برای اعضا صادر شد که دارای هولوگرام مخصوص هر فرد است و با اسکن کردن آن رزومه و مشخصات هنرمند قابل دسترسی و مشاهده است، همچنین در حال پیگیری هنرکارت و مسائل صندوق اعتباری هنرمندان هستیم.»

سعید ذهنی از آرزویش در سال ۱۴۰۲ گفت: «آرزویم این است که آزادی، آسایش و آرامش برای اهالی تئاتر و مردم شریف ایران تحقق پیدا کند.»

او افزود: «این‌طور بگویم بهتر است، آیا در سال ۱۴۰۲ هنرمندان موسیقی همراه با سازهایشان می‌توانند حضور پیدا کنند و نمایش داده شوند؟ چه اشکالی دارد که پیشکسوت موسیقی ما با سازش در تلویزیون حضور پیدا کند؛ امیدوارم گشایش و دید باز نسبت به هنرمندان بیشتر شود.»

بهرام ابراهیمی، هنرمند گزیده کار تئاتر، سینما و رادیو:

تئاتر نباید حتی یک ساعت هم تعطیل شود

ذهنم دارم که با هادی حوری عزیز در مورد تحقق آن برای ساخت و اجرای یک تله تئاتر در حال برنامه ریزی هستیم.»

این هنرمند در ادامه افزود: «در زمان قدیم تلویزیون تله تئاتر پخش می کرد. به نظرم چیزی که مرا به طرف هنر کشاند تماشای همین تله تئاترها بود.» او ادامه داد: «آثار برجسته ای که از هنرمندان و استادان تئاتر خوب کشور مانند مرضیه برومند، داوود رشیدی، رضا بابک، رضا فیاضی، بهرام شاه محمدلو، اسماعیل پوررضا، فخری خوروش، علی نصیریان، سعید پورصمیمی، احترام برومند، فرهاد آیش، مهدی سلطانی و... در تله تئاتر باقی مانده است، خاطرات بسیار خوبی را برای همه مردم به ثبت رسانده است.»

ابراهیمی درباره شبکه چهار تلویزیون که اختصاص به فرهنگ و هنر دارد هم گفت: «شبکه چهار تلویزیون را همه ما به عنوان یک شبکه فرهنگی و هنری می شناسیم؛ اما نمی دانم چرا برنامه اصلی این شبکه یعنی تله تئاتر حذف شده است؟ وقتی از فرهنگ و هنر صحبت می شود، یکی از مهم ترین عناوین و مصادیق آن تئاتر است که این روزها جایش در تلویزیون بسیار خالی است.»

سخنی با اهالی تئاتر

بهرام ابراهیمی در پایان، هنرمندان را مخاطب خود قرار داد و گفت: «هنرمندان و دوستان آرتیست تئاتر، ما ۳۶۵ روز وقت داریم تا سال ۱۴۰۲ را به بهترین روزهای تئاتر نسبت به سال های گذشته تبدیل کنیم.»

این کارگردان و بازیگر پرسابقه هنرهای نمایشی ادامه داد: «امیدوارم همه هنرمندان پای کار خود باشند. ما زنده ایم و روی صحنه ایم برای اینکه تئاتر بقا داشته باشد، در غیر این صورت حضور ما هنرمندان ارزشی نخواهد داشت.»

توقع داشتند که تئاتر تعطیل شود و هنرمندان خانه نشین شوند. مگر هنرمند جز هنرش شغلی دارد تا بتواند درآمدزایی داشته باشد؟»

این هنرمند افزود: «بسیاری از هنرمندان ما کارمند یا حقوق بگیر شرکت یا مراکز دولتی نیستند. بسیاری از هنرمندان بسیار خوب را می شناسم که حتی هنوز بیمه نیستند و فقط با درآمد تئاتر، سینما، رادیو و تلویزیون امرار معاش می کنند؛ و



بهرام ابراهیمی نویسنده، کارگردان و بازیگر تئاتر، رادیو، سینما و تلویزیون با بیان اینکه بسیار خوب است که در هر شرایطی نمایش روی صحنه می رود، گفت تئاتر حتی برای یک ساعت هم نباید تعطیل شود.

به گزارش ایران تئاتر، بهرام ابراهیمی نویسنده، کارگردان و بازیگر تئاتر، رادیو، سینما و تلویزیون سال ۱۳۵۲ وقتی ۱۸ سال داشت، کار بازیگری خود را به طور حرفه ای آغاز کرد و پس از آن در تئاترها، فیلم ها و سریال های مختلفی به ایفای نقش پرداخت. با این بازیگر و کارگردان باسابقه که خاطره بازی های تاثیرگذار و موثرش در فیلم «مارمولک» به نقش رییس سختگیر زندان و نیز سریال «اولین شب آرامش» به نقش «رفیع ملکی» و چند بازی بی نقص صحنه ای در اذهان مخاطبان جایگاه ویژه ای یافته، در روزهای ابتدایی سال و در حال و هوای نوروز گفت و گویی درباره این روزهای خود و فعالیت های هنری اش داشتیم که در ادامه می خوانید.

ابراهیمی درباره آخرین نمایشی که قرار بود در آن بازی کند ولی به اجرای عموم نرسید به خبرنگار ایران تئاتر گفت: «شهریور ۱۴۰۱ من به پروژه نمایشی «خوشدلان» به نویسندگی سعید

پورصمیمی و کارگردانی پریراد سیف پیوستم که قرار بود در باغ کتاب تهران روی صحنه برویم، اما به دلیل اتفاقاتی که در جامعه شاهدش بودیم کار به اجرا نرسید و متأسفانه اجرای نمایش کنسل شد.»

تئاتر نباید تعطیل شود

ابراهیمی در ادامه از این که گروه های نمایشی همواره کار روی صحنه می برند ابراز خوشحالی کرد و گفت: «خیلی خوشحالم که بچه های تئاتری صحنه ها را خالی نمی کنند و همواره نمایش روی صحنه می رود. در روزهای شلوغ جامعه خیلی ها

به نظرم توقع بیجایی است که برخی انتظار دارند هنرمندان تئاتر کارشان را رها و تعطیل کنند.»

این بازیگر تئاتر گفت: «حتی یک ساعت هم نباید تئاتر تعطیل شود، اما در عین حال به هر قیمتی هم نباید صحنه را پر کرد؛ من کسانی را می شناسم که با سه هفته تمرین روی صحنه می روند، این موضوعی است که بسیار برای تئاتر بد است و برای من اساساً قابل فهم نیست.»

جای خالی تله تئاتر

بهرام ابراهیمی همچنین در مورد برنامه ریزی های خود برای اجرای تله تئاتر هم گفت: «ایده ای در

«من و محسن از سال ۱۳۵۷ در اداره آموزش و پرورش همکار بودیم. این همکاری باعث آشنایی مان شد تا اینکه در ۲۰ شهریور ۱۳۵۹ با هم ازدواج کردیم.»

او ادامه می دهد: «ما در هر دو زمینه بازیگری و معلمی با یکدیگر همراه بودیم و زندگی مان سرشار از خاطرات تلخ و شیرین بود به ویژه در حوالی نوروز و انتظار برای تغییر سال.»

این هنرمند می افزاید: «خاطرات مشترک زیادی از حضور در پروژه های تصویری تولید شده در ایام نوروز دارم. خاطرم هست که برای ضبط یک سریال به اراک رفته بودیم ولی از آنجا که همیشه معتقد بودیم سال تحویل را باید در خانه خودمان باشیم، ۶ ساعت مانده به تحویل سال از اراک به مقصد تهران حرکت کردیم، سال جدید را در خانه گذراندیم و فردای آن روز دوباره به اراک برگشتیم.»

وقاری می گوید: «متأسفانه طی دو سال گذشته همه عزیزانم را از دست داده ام و به همین دلیل خلا بزرگی در زندگی برای من به وجود آمده است و گویی بسیاری از خاطراتم را فراموش کرده ام.» این هنرمند در پاسخ به اینکه شاید بتوان سختی های گذشته را با ادامه فعالیت هنری تا حدی فراموش کرد، توضیح می دهد: «متأسفانه انگار سال هاست که از گروه های کاری حذف شده ام. بارها در گفت و گوهای متفاوت از من پرسیده اند که آیا خودم را بازنشسته کرده ام، در حالی که تنها در دوران بیماری محسن و با توجه به شرایط او از پذیرش پیشنهادهای کاری که وقت زیادی نیاز

مهوش وقاری، بانوی صبور و عاشق بازیگری:

سال هاست از گروه های کاری حذف شده ام

مهوش وقاری، بازیگر پیشکسوت، با اشاره به علاقه اش به تئاتر و ارتباط مستقیم با تماشاگر می گوید با وجودی که سال هاست از گروه های هنری حذف شده است، اما اگر پیشنهاد خوبی داشته باشد، می پذیرد و پس از سال ها روی صحنه خواهد آمد.

به گزارش ایران تئاتر، مهوش وقاری، بازیگر تئاتر، سینما و تلویزیون، پیش از انقلاب، فعالیت خود را در عرصه هنرهای نمایشی، با حضور در کاخ جوانان و سینمای آزاد آغاز کرد. این هنرمند پس از پیروزی انقلاب، در آثار نمایشی فراوانی به ایفای نقش پرداخته است. «آواز مهر»، «موش ها و آدم ها» و «تانگو تخم مرغ داغ» از جمله نقش آفرینی های وقاری روی صحنه تئاتر به شمار می آیند. او طی سال های اخیر، با توجه به بیماری زنده یاد محسن قاضی مرادی و لزوم مراقبت ویژه از این هنرمند، با عشق و صبری مثال زدنی به پرستاری از همسرش پرداخت و حضور در بسیاری از پروژه های کاری را رد کرد. مهوش وقاری، درباره آشنایی اش با زنده یاد قاضی مرادی می گوید:



داشت، امتناع می کردم اما اکنون حدود ۲ سال است با وجودی که همه همکاران از شرایط من اطلاع دارند، باز هم برای کار دعوت نشده ام. شاید نبود پیشنهاد همکاری دلیل دیگری دارد که من از آن بی خبرم.»

او درباره پیشنهادهای بازی در تئاتر نیز می گوید: «در سال های اخیر پیشنهادهایی برای بازی روی صحنه تئاتر داشته ام اما این پیشنهادهای هم بیشتر در زمان بیماری محسن بود و از آنجا که تئاتر به زمان زیادی برای تمرین نیاز دارد و به دلیل تعهد کاری آن ها را رد کردم. قطعاً اگر پیشنهاد خوبی به ویژه در زمینه تئاتر داشته باشم، می پذیرم. چون تئاتر را خیلی دوست دارم و از ارتباط مستقیم با مخاطبان لذت می برم.»



بهروز غریب‌پور، پیشکسوت کارگردانی و نمایشنامه‌نویسی:

بی‌صاحب‌ترین شغل دنیا را داریم

احمد رضا حجاززاده: بهروز غریب‌پور، پژوهشگر، نمایشنامه‌نویس و کارگردان تئاتر و سینما، نام و چهره‌ای معتبر و شناخته‌شده در عرصه هنرهای نمایشی است. اگرچه او تاکنون فعالیت‌های فراوان و ارزشمندی برای اجرای نمایش‌های صحنه‌ای و عروسکی داشته، اما در دو دهه گذشته، بیشتر به اعتبار اجرای اپراهای عروسکی‌اش در تالار فردوسی مطرح بوده است.

آخرین اثر هنری این هنرمند، در سال گذشته نیز اجرای «اپرای عروسکی عاشورا» در تالار وحدت بود که این بار با تغییر در شیوه اجرا، غریب‌پور علاوه بر عروسک‌ها، عروسک‌گردانان را هم روی صحنه به نمایش گذاشت تا دوست‌داران این گونه نمایشی، شاهد زحمت و تلاش هنرمندان در هنر جان‌بخشی به عروسک‌ها باشند.

به مناسبت سال جدید و تعطیلات نوروزی، پای سخنان بهروز غریب‌پور نشستیم تا مروری داشته باشیم بر مهم‌ترین فعالیت‌های او در سالی که گذشت.

سال گذشته از نظر کار و فعالیت هنری برای شما چطور گذشت؟

در سال ۱۴۰۱ برای من یک اتفاق بزرگ هنری افتاد. بعد از یک دهه‌ونیم اجرای اپرا در تالار فردوسی و پنهان‌ماندن بازی‌دهندگان و رویت عروسک‌هایی که به نحو عالی بازی داده می‌شدند، من یک فاصله‌گذاری غیرمعارف را آغاز کردم و آن اجرای «اپرای عاشورا» بر روی سازه سفری به صورت اکسپوز در تالار وحدت بود، یعنی شما هم بازی‌دهنده را می‌دیدید و هم عروسک را. این اتفاقی بود که من چند سال آرزو داشتم در خارج از ایران انجام بدهم. به یک فستیوالی که پیش از پاندمی کرونا دعوت شده بودم، پیشنهاد کردم به صورتی که عرض کردم، اپرای عاشورا یا هر اپرای دیگری را اجرا بکنم.

خوشبختانه این ایده در عمل هم بسیار مورد استقبال قرار گرفت. در اجرای تالار وحدت، در حالی که عروسک‌ها طبعاً نسبت به فضای تالار فردوسی کوچک‌تر به نظر می‌رسیدند، ناگهان این موضوع که ۳۰ نفر روی کل سازه قرار گرفته باشند و عروسک‌ها را بازی بدهند، بر تماشاگر تاثیر مضاعف گذاشت.

این حرکت ستایشی از عمل بازی‌دهندگانی بود که طی سالیان سال در اپراهای مختلف، هنرمندان اجرا می‌کردند اما از چشم تماشاگر پنهان بودند، یعنی در نهایت تواضع صورت می‌گرفت. در عین حال برای من مفاهیم دیگری از نظر زیبایی‌شناسی و فاصله‌گذاری در اجرای یک اثر صحنه‌ای داشت که در شناسنامه هنری من قطعاً به یادگار خواهد ماند.

با توجه به شروع سال جدید و پیشینه هنری شما، چه پیشنه‌هایی دارید که بتوان از طریق هنر نمایش و سینما، مردم را با آیین‌های باستانی و سنتی ایران آشتی داد و آن‌ها را به سمت وسوی ریشه‌های کهن و آیینی‌شان بازگرداند؟ من نه فقط به ستایش شاعران، که حتی در «اپرای عروسکی عاشورا»، به ستایش آنچه که محتشم کاشانی به عنوان یک شاعر انجام داده، پرداختم، یعنی او را که از مریدان امام حسین (ع) بوده، از تونل زمان در قرن دهم هجری گذراندم در واقعه کربلا تبدیل بشود به یک انسان فعال و مدافع. بنابراین «اپرای عاشورا» هم در ستایش یک شاعر است، چون معتقدم من در مورد هر شاعری کار کردم، آن‌ها با سوره‌شان یکی

و یگانه شدند و به همین دلیل از مرز زمان گذشتند.

اما در خصوص پرداختن به آیین‌های باستانی و سنتی ایران، باید بگویم تنها مساله ریشه‌های کهن و آیینی نیست. مساله اصلی آشتی دادن مخاطب با تئاتر است. خیلی‌ها هنوز از تئاتر می‌ترسند و فکر می‌کنند تئاتر متعلق به یک قشر خاص است و این قشر خاص، روشنفکران و کتاب‌خوانده‌ها هستند. من با اجرای نمایش‌های «بینوایان» و «کلبه عموئم»، جمع فراوانی از مخاطبان را جذب تئاتر کردم.

فراموش نکنید که «بینوایان» در فرهنگسرای بهمن (کشتارگاه سابق) اجرا شد و هفت ماه روی صحنه بود و فقط آن قشر خاص تماشاگر ما نبودند. در مورد احیای سنت‌ها هم، من خیمه‌شب‌بازی را به شیوه قاجار کار کردم، چون بر این عقیده‌ام مردم باید ببینند آنچه که یک زمانی به خاطر عدم اعتماد به نفس به آن علاقه‌مند

دغدغه‌ام از زمانی که وارد

تئاتر شدم تا امروز، تغییری

نکرده و آن، جذب حداکثری

مخاطب بوده است. من با اجرای

نمایش‌های «بینوایان» و «کلبه

عموئم»، جمع فراوانی از مخاطبان

را جذب تئاتر کردم

بودند و جراتش را نداشتند، به عنوان میراث‌فرهنگی ارزشمند است.

در مورد تعزیه و نقالی نیز همین کار را کردم. یکی از صحنه‌های اپراهای «خیام» و «مولوی» و حتی «سعدی»، عنایت به نقالی و تخت‌حوضی است. مثلاً در اپرای «سعدی» من یک تخت حوضی اجرا کردم یا در اپرای «خیام»، سایه‌بازی و نقالی دارم. در اپرای «مولوی»، پرده‌خوانی است. همچنین ما نباید مقلدهایی نباشیم که آن‌چه را در غرب اجرا می‌شود و مورد تایید قرار می‌گیرد، بلافاصله ترجمه و اجرا بکنیم. من همیشه از ترجمه آثار فقط به صرف این‌که ما از غرب عقب نیفتیم مخالف بوده‌ام و معتقدم این آسان‌ترین کاری است که می‌توان کرد و تماشاگر را از دست داد. مخاطب را باید با همه جلوه‌های

نمایشی به صورت مدرن و با مضامین مختلف آشنا کرد. الزامی ندارد که ما الان فقط تکرار مکررات بکنیم. حتی من در خیمه‌شب‌بازی به شیوه قاجار، اعمال نظر کردم که آن‌چه غیرجذاب و غیرموثر باشد، حذف بکنم. در اجراهایی که خارج از کشور داشتیم، وقتی کارشناسان کار را دیدند، گفتند این بهترین شیوه در حفظ سنت است که گروه شما، ترکیبی از مطرب‌ها و نمایشگران سنتی و نمایشگران تحصیل کرده و آکادمیک است.

بنابراین دغدغه‌ام از چهارده سالگی که وارد تئاتر شدم تا امروز، تغییری نکرده و آن، جذب حداکثری مخاطب بود.

آقای غریب‌پور، به نظر تان آیا اجرای نمایش‌های مناسبی در روزهای نوروز، می‌تواند موجب بشود مخاطب عام هم به سالن‌های تئاتر بیاید؟ آیا شما در طول اجرای اپراهای عروسکی‌تان، هیچ‌وقت پژوهشی در مورد مراسم نوروز داشته‌اید تا در فرصت مناسبی، نمایشی با موضوع نوروز یا حال‌وهوای کاملاً ایرانی برگزار بکنید؟

من تمام نمایش‌هایی که تاکنون کار کرده‌ام، کاملاً ایرانی‌اند، ولی یک اثر موزیکال را برای کودکان به مناسبت شب یلدا کار کردم اما هنوز روی صحنه نرفته، مثل خیلی از کارهای دیگر که در بایگانی مانده‌اند. به این دلیل که تهیه‌کننده باشعور وجود نداشته است، یعنی باید همیشه کاری عرضه بکنید که به شما بگویند آری یا نه! ولی تهیه‌کننده باشعور باید به من بگوید آقای غریب‌پور، بیایید روی این موضوع کار بکنید. من تا به حال چنین تهیه‌کننده باشعوری ندیده‌ام.

آرزوی صنفی شما در سال ۱۴۰۲ برای فرهنگ و هنر چیست؟

آرزو می‌کنم که صنف ما و همه هنرمندان، صاحب پیدا بکنند! ما بی‌صاحب‌ترین شغل دنیا را داریم. ببینید طی سه چهار سالی که ما به خاطر عدم اجرا با مشکلات کمرشکنی روبه‌رو بودیم، خانواده تئاتر کاملاً به سمت مشاغل و حرفه‌هایی رفتند که برای گذران زندگی، اندکی درآمد داشته باشند. تئاتر می‌تواند در چرخه فعالیتش همه‌گونه باشد اما تئاتر به معنای تئاتر موثر و اندیشمند، جزئی از عناصر ترقی و حفظ فرهنگ این جامعه است.

در پایان، اگر خاطره شیرین و بامزه‌ای

از سال‌ها فعالیت در حوزه تئاتر به یاد دارید، خوش حال می‌شویم بازگو بفرمایید.

من سال ۱۳۵۴ نمایشنامه‌ای را نوشته بودم به نام «افسانه ترس» که این نمایش اولین و آخرین تور یک گروه تئاتری در سرتاسر کردستان بود. ما در شهرهای بانه، سقز، قروه، مریوان، بیجار نمایش‌مان را اجرا می‌کردیم.

همه این شهرها کم‌وبیش یک سالن اجتماعات مناسب داشتند، ولی به بیجار که رسیدیم، متوجه شدیم اصلاً سالن اجتماعات یا سالن تئاتر ندارند. من در ملاقاتی که با فرماندار داشتم و استقبال گرمی از من و همراهانم در دفترشان کردند، گفتم «باید زودتر جلسه را ترک بکنم که محل اجرا را ببینم».

ایشان گفتند «ما یک سالن بسکتبال داریم که نمایش باید آن‌جا اجرا بشود». گفتم «آقا، این کار اصلاً برای آن‌جا طراحی نشده! ضمن این‌که در چنین سالنی با چنین جمعیتی، صدا به صدا نمی‌رسد».

به ما گفتند «ما برای تماشای این نمایش، دعوت عام کردیم». گفتم «این کار غلط است». حالا تصور بکنید در یک سالن سه‌چهار هزار نفری باید این نمایش را اجرا می‌کردیم. رفتیم سالن را دیدیم و من تغییر طراحی صحنه دادم. بعد وقتی داشتیم برای صرف ناهار در خیابان می‌رفتیم و قدم می‌زدیم، دیدیم روی یک جیپ، بلندگویی نصب کرده‌اند و می‌گویند که: «اها! محترم بیجار! به دلیل این‌که نمایش «افسانه ترس»، ترسناک است، لطفاً فرزندان خود را برای تماشای این اثر نیاورید!»

نشان به آن نشانی که تمام مردم بیجار به‌علاوه بچه‌فنداقی‌ها به سالن آمدند! هنگام اجرا، سالن نه تنها روی سکوها جای کافی برای تماشاگران نداشت، بلکه در خود صحنه هم جمعیتی نشسته بودند که بازیگران ما هنگام اجرا، بین مردم گم شده بودند! آخر نمایش همه آمدند و تشویق‌مان کردند اما فکر نمی‌کنم هیچ‌کس آن نمایش را فهمیده باشد که چه بوده است. واقعاً یک فرماندار باید خیلی کند ذهن باشد که چنین تبلیغی برای تماشای نمایش بکند! چون وقتی شما به مردم می‌گویید نمایش ترسناک و هیجان‌انگیز است و به تماشا نیایید، اتفاقاً یعنی بیایید!



میکائیل شهرستانی با «باغ آلبالو» به تماشاخانه ایرانشهر می‌آید



دنیای خیال انگیز من - کارگردان: بهناز مهدی‌خواه - اسفند ۱۴۰۱

روی صحنه می‌رود. نمایش «باغ آلبالو» اثر آنتوان چخوف، با طراحی، دراماتورژی و کارگردانی میکائیل شهرستانی و با بازی داود بیتاء، امیرحسین نسیمی، مرضیه ساکی، منصوره هروی، آرین نعیمی، امید فتاحی، پگاه مجدالدین، نساء بامداد، اعظم قنبری، رعنا صفاری سیاهکلی، فرهاد اعتمادی رسولی، علیرضا آژیده، مژگان کامجو، در سای سیح، بابک پایوند، زهره گل سرخی، شقایق سیدین، امیرعلی حیدری، آرین نعیمی، مجید حسینی و هادی دلیر آقایی روی صحنه خواهد رفت.

در خلاصه داستان این نمایش آمده است: «پس از چند سال زندگی در پاریس، مادام رانوسکایا به زادگاهش باز می‌گردد. باغی که گذشته‌ای پر تلاطم را به خاطرش می‌آورد. گذشته‌ای که هنوز هم در باغ، بازگشت او را به کمین نشسته است...»



نمایش «باغ آلبالو» اثری آنتوان چخوف با طراحی، دراماتورژی و کارگردانی میکائیل شهرستانی درباره سرنوشت افراد یک خانواده به بهانه حراج باغ آلبالویی قدیمی است. این نمایش از ۲۵ فروردین در تماشاخانه ایرانشهر روی صحنه خواهد رفت.

به گزارش ایران تئاتر، نمایش «باغ آلبالو» با طراحی، دراماتورژی و کارگردانی میکائیل شهرستانی از ۲۵ فروردین در سالن ناظرزاده کرمانی تماشاخانه ایرانشهر

نظری بر نمایش «آوازه‌خوان طاس» به کارگردانی محمدشایان طهماسب‌پور

غریبه‌هایی آشنا در جست‌وجوی هویت



جابه جایی صحنه‌های نمایش، به فضا سازی صحنه می‌پردازد.

و من تو را به یاد نخواهم آورد
«آوازه‌خوان طاس» نگاهی طنزآلود به مشکل بشر امروز در بحران هویتی‌اش دارد. یونسکو با این نمایشنامه، زمینه‌های شکل‌گیری درام تلخ انسان امروز در ناشناسی و بی‌ارتباطی‌اش با پیرامون خود و با دنیا را به تصویر می‌کشد. آدم‌های «آوازه‌خوان طاس»، کاراکترهایی آگاه از نظر تحصیلات و جایگاه اجتماعی هستند که با همه سنگینی شناسنامه‌ای خود، همچنان از نظر ارتباطشان با دنیای پیرامون خود، و حتی با خانواده و همسر خود، بیگانه‌اند. این بیگانگی تا حدی است که شوهر و زنی که روی یک تخت‌خواب می‌خوابند و فرزند مشترکی نیز دارند، یکدیگر را نمی‌شناسند، و هرگز یکدیگر را به یاد نمی‌آورند.

نمایش می‌گذارند تا از بازیگری حسی سیستمی فاصله بگیرند. در این میان، بخش‌هایی نیز با ارتباط مستقیم کاراکتر خدمتکار با تماشاگران همراه می‌شود. طراحی صحنه و دکور نمایش «آوازه‌خوان طاس»، به شیوه مینی‌مالیستی و با کمترین بهره‌گیری از دکور و اکسسوار و جزئیات، طراحی و اجرا شده است. اگرچه این طراحی تا مرز ابزورد پیش نمی‌رود و صحنه با دو مبل تک‌نفره و یک کاناپه طراحی شده است. در یک‌گراند و بال‌های صحنه نیز، لته‌هایی صورتی‌رنگ، آرایه‌های فضا سازی نمایش به شمار می‌روند. نور صحنه، عمومی و پیوسته است، جز در چند مورد برای ارتباط گفتاری خدمتکار خانه با تماشاگران که به صورت موضعی به روشن کردن فضای خدمتکار می‌پردازد. موزیک صحنه، هنگام

مارتن از دیدار احتمالی آن‌ها در قطار می‌گوید، اما خانم مارتن ضمن تأیید جزئیات واقعه، ابراز می‌دارد که هرگز چیزی را به یاد نمی‌آورد. در نهایت روشن می‌شود که نام آن دو، دانلند و الیزابت است، آن دو در یک آپارتمان، و روی یک تخت‌خواب می‌خوابند، و دارای دختر کوچک زیبایی به نام آلیس هستند. زنگ در خانه آقای اسمیت به صدا درمی‌آید. خانم اسمیت برای باز کردن در به سمت در خانه می‌رود ولی هیچ‌کس پشت در خانه نیست. این موضوع، سه بار تکرار می‌شود. در بار چهارم که آقای اسمیت برای باز کردن در، به در خانه مراجعه می‌کند، رئیس ایستگاه آتش‌نشانی وارد می‌شود.

حداصلی بین رئالیسم تا ابزورد
کارگردان، نمایشنامه «آوازه‌خوان طاس» را بر اساس نگاه انتزاعی نویسنده دنبال می‌کند. دراماتورژی نمایشنامه، حداقلی بین رئالیسم تا ابزورد را طی می‌کند. تأکید کارگردان بر دیالوگ‌های به ظاهر ساده‌ای است که در درون خود، پرسش‌های بسیاری را در بیان واکاوی کاراکترهای آشنا ولی غریبه از هم، پنهان کرده‌اند.

بازیگران نمایش نیز در مسیر دراماتورژی اجرای غیررئالیستی، نوع بازی استیلیزه خود را به

بهنام حبیبی: درام قرن بیستم، با فراز و نشیب‌هایش، سبک‌های گوناگونی را به عرصه نمایش معرفی کرد. در این میان، ابزوردیسم با پرداخت ویژه‌اش به بحران‌های درونی و اجتماعی انسان مدرن امروزی، جایگاه ویژه‌ای دارد. اوژن یونسکو، از نویسندگانی است که با چند نمایشنامه‌اش، در این سبک جای دارد و نمایشنامه «آوازه‌خوان (آوازه‌خوان) طاس» نیز یکی از آثار مهم و شایان توجه اوست. محمدشایان طهماسب‌پور، این نمایشنامه نوشته اوژن یونسکو را در تالار ارغوان تهران روی صحنه برده است. در ادامه نگاهی داریم به اجرای او از این نمایشنامه.

بحران زندگی آقا و خانم اسمیت
آقا و خانم اسمیت در حومه لندن زندگی می‌کنند. آن دو، پیوسته درباره جزئیات زندگی‌شان با یکدیگر به مشاجره می‌پردازند. هر دوی آن‌ها، و به‌ویژه آقای اسمیت، بر این باورند که در جایگاهی بالا از فرهنگ و رفتار اجتماعی قرار دارند. آقا و خانم مارتن، از دوستان خانوادگی خانواده اسمیت، به نزد آن‌ها به میهمانی می‌آیند. بین زوج مارتن نیز بحرانی از ناشناسی برقرار است. گویا آقای مارتن در تلاش است تا به خانم مارتن بفهماند که قبلاً او را جایی دیده است. آقای